

یکی از اشکالاتی که معمولاً بر سنجه‌های دینداری موجود در جامعه ما وارد می‌شود آن است که اغلب این سنجه‌ها مبتنی بر جهان‌بینی اسلامی نیستند. از آنجا که دینداری برحسب رویکرد و محتوای متفاوت ادیان، تعاریف متفاوتی می‌پذیرد، لازمه مفهوم‌سازی دقیق آن است که در هر دینی از جمله اسلام الگوهای بومی طراحی شود. از جمله الگوهایی که توسط مسلمانان برای سنجش دینداری طراحی شده، مدل ام. آر. پی. آی. است که در سال ۲۰۰۷ در مالزی طراحی شده است. در این مطالعه برآنیم تا ضمن هنجاریابی ام. آر. پی. آی. در میان جوانان ایرانی، به‌صورت تجربی آن را با سنجه‌های دکتر شجاعی‌زند و سنجه برگرفته از مدل گلاک و استارک در یک جمعیت واحد مقایسه نماییم. این کار با روش پیمایش در جامعه آماری دانشجویان دانشگاه تهران و با نمونه ۳۹۱ نفر صورت گرفته است. بر مبنای نتایج پژوهش، اولاً سنجه ام. آر. پی. آی، حائز شرایط علمی یک مقیاس است و ثانیاً از نظر میزان دینداری و رابطه دینداری با متغیرهای زمینه‌ای، داده‌های به‌دست آمده برای هر سه سنجه تقریباً یکسان است. ضرایب همبستگی اسپیرمن بین نمرات سنجه‌ها حاکی از اعتبار بالای سنجه‌هاست، به‌طوری که ضریب همبستگی ام. آر. پی. آی. با سنجه گلاک، ۰/۷۵۶ است و در سطح معناداری بسیار مطلوب ($S=0/000$) قرار دارد.

■ واژگان کلیدی:

دینداری، سنجه دینداری، سنجه ام. آر. پی. آی، سنجه بومی دینداری.

مقایسه تجربی سنجه دینداری برگرفته از مدل ام. آر. پی. آی. با دوسنجه متداول دیگر

ابوالفضل ذوالفقاری

استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد
zolfaghariab@gmail.com

صبورا امین‌فر

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه شاهد
aminfars@gmail.com

مقدمه و طرح مسئله

از آنجا که دین در سالیان متمادی حیات بشر همچنان نفوذ و اعتبار خود را بر انسان و جامعه حفظ کرده است، شناخت انسان و جامعه انسانی، بدون در نظر گرفتن تأثیر دین کامل نخواهد بود. دین به‌عنوان حقیقت جدایی‌ناپذیر از حیات بشری همواره به‌عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر تغییرات اجتماعی مطرح بوده است. همچنین تجربه‌های تاریخی بیانگر آن است که زمینه‌ها و عوامل اجتماعی گوناگونی بر سطح دینداری در جامعه تأثیرگذار بوده‌اند. به گفته همیلتون اساساً همین دو مسئله، کانون مباحث جامعه‌شناسی دین است:

«یکی اینکه چرا باورداشته‌ها و عملکردهای مذهبی یک چنین نقش تعیین‌کننده‌ای در فرهنگ و جامعه دارند و دیگر اینکه چرا این باورداشته‌ها و عملکردها یک چنین صورت‌های گوناگونی به خود گرفته‌اند.» (همیلتون، ۱۳۸۱: ۲)

توجه به دین به‌عنوان یک متغیر در پژوهش‌ها نیاز به عملیاتی کردن مفهوم دینداری را ضروری می‌سازد. این نیاز در پژوهش‌های جوامعی نظیر جامعه ما که دین در آن جایگاه و نقش مؤثری دارد، بیشتر احساس می‌شود. تعداد بالای پژوهش‌هایی که در ایران انجام شده و دین در آنها به‌عنوان متغیر مستقل و یا وابسته مورد بررسی قرار گرفته، بیانگر آن است که سنجش دینداری یک ابزار ضروری برای تحقیقات اجتماعی است. اما در این بین کمتر پژوهش‌هایی به چشم می‌خورند که اهتمام خاص خود را بر ابزارهای سنجش دینداری معطوف نموده باشند و با توجه به ویژگی‌های جامعه اسلامی الگویی برای سنجش دینداری ارائه نمایند. از آنجا که دینداری برحسب رویکرد و محتوای متفاوت ادیان، تعاریف متفاوتی می‌پذیرد، لازمه مفهوم‌سازی دقیق آن، این است که در هر دینی از جمله اسلام الگوهای بومی طراحی شود. از جمله الگوهای طراحی شده توسط مسلمانان مدل ام. آر. پی. آی. است که در سال ۲۰۰۷ در مالزی طراحی شده است.

سنجش‌های دینداری متداول که اغلب بر گرفته از مدل گلاک و استارک می‌باشند، با مطالعه جوامع مسیحی یهودی طراحی شده است. این مدل، ابعاد دینداری را در پنج بعد اعتقادی، شناختی، تجربی (عاطفی)، پیامدی و مناسکی خلاصه می‌کند. هرچند این سنجش‌ها ادعای جهان‌شمولی و عمومیت دارند و طراحان آن اذعان می‌کنند که الگویی برای سنجش دینداری عرضه کرده‌اند که با اندکی جرح و تعدیل می‌توان آن را در جوامع گوناگون و برای پیروان همه ادیان به کار برد، اما دیدگاه‌های مخالفی هم وجود دارند مبنی بر اینکه مطالعه جوامع یهودی مسیحی، جهان‌بینی این ادیان را حاکم بر تعریف از دین و مفهوم‌سازی و طراحی سنجش‌های آن گردانده و سبب شده سنجش‌های مذکور با برداشتی یهودی - مسیحی از دین طراحی شوند، لذا ناگزیر نسبت به این ادیان جهت‌گیری دارند و ابعاد حاصل از جهان‌بینی آنها را می‌سنجند و بنابراین لزوماً با تعاریف سایر مذاهب از دین منطبق نیستند هرچند مشترکاتی هم با آنها

داشته باشند (کوچک خان، ۲۰۰۰، الطاس، ۲۰۰۱؛ به نقل از یو پی ام^۱، ۲۰۰۷) اساساً امروزه در نظر گرفتن ذات مشترک ادیان در تحقیقات پیرامون مذاهب مختلف، از سوی نظریه پردازان جامعه‌شناسی دین کمتر مورد حمایت قرار می‌گیرد. ملکم همیلتون در کتاب جامعه‌شناسی دین در این زمینه می‌گوید:

«البته کسانی نیز هستند که ادعا می‌کنند همه ادیان در نوعی بنیاد مشترک سهیم‌اند، که شاید ادراک مرجعی الهی، روحی و متعالی باشد، اما نظر آنها نیز به‌ندرت از سوی شواهد و مدارک عینی به‌خوبی اثبات شده است. کوشش‌هایی که در جهت بیان ماهیت این ذات بنیادی انجام می‌گیرند، عموماً مبهم، غیرقانع‌کننده و غیرمجاب‌کننده‌اند.» (همیلتون، ۱۳۸۱: ۶).

از آنجا که دینداری برحسب رویکرد و محتوای متفاوت ادیان، تعاریف متفاوتی می‌پذیرد، طراحی الگوهای سنجش دینداری مبتنی بر سایر ادیان برای مطالعه این ادیان، یک امر حیاتی است. همین احساس نیاز در سال‌های اخیر سبب شده است الگوهایی در این زمینه طراحی شود. در این میان یکی از الگوهای معتبر برای سنجش دینداری مسلمانان، «مدلی برای سنجش دینداری در ایران» است که توسط دکتر شجاعی‌زند طراحی شده است. در این مدل سعی شده است سنجه‌هایی منبعث از آموزه‌های اسلامی و منطبق با شرایط اجتماعی ایران به‌کار گرفته شود و از آنجا که دینداری به نوبه خود نسبتی با ابعاد وجودی انسان دارد، تلاش شده است تا الگوی پیشنهادی، برگرفته از انسان‌شناسی اسلامی باشد. همچنین در این پژوهش برای سنجش دینداری اسلامی پنج بعد: ۱. اعتقادی؛ ۲. ایمانیات؛ ۳. عبادیات؛ ۴. اخلاقیات؛ ۵. شریعات پیشنهاد شده است.

از دیگر الگوهای بومی ارائه شده توسط مسلمانان مدل ام. آر. پی. آی. است که توسط مرکز تحقیقاتی IPSAS^۲ و UPM مالزی برای سنجش دینداری در میان جوانان مسلمان طراحی شده است. طراحان این الگو معتقدند: «مرور ادبیات تحقیقاتی سنجش دینداری آشکار می‌کند، در این زمینه «تحقیقاتی که منعکس‌کننده جهان‌بینی توحیدی باشد، به‌مقدار کافی وجود ندارد. جهان‌بینی توحیدی عنصر کلیدی برای مفهوم‌سازی و عملیاتی کردن سنجش دینداری [اسلامی] است.» (یو پی ام، ۲۰۰۷: ۱).

از جمله نکات قوت الگوی ام. آر. پی. آی، توجه به ابعاد دین از منظر درون‌دینی و با استفاده از کارشناسان و متخصصان اسلام‌شناس برای تعیین حدود و ثغور این ابعاد است. به‌همین دلیل گویه‌های این سنجه با ادبیات دینی متداول در جوامع اسلامی بسیار مانوس می‌باشد و در عین حال پاسخ‌سؤالات برای همه مخاطبین واضح و آشکار و از پیش تعیین‌شده نمی‌باشد. در این سنجه اصول طراحی سؤال با آزمون‌های آماری دقیق به‌کار گرفته شده است. با وجود این نکته قابل تأمل در این سنجه آن است که هرچند این سنجه

1. UPM: University Putra Malaysia

2. Institute for Social Science Studies

توسط مسلمانان طراحی شده است، اما روشن نیست که آیا این الگو همخوانی لازم با جامعه اسلامی ایران را نیز دارا می‌باشد یا خیر؟ در این مطالعه برآنیم تا ضمن تبیین دقیق مدل ام. آر. پی. آی، به صورت تجربی، سنجه دکتر شجاعی‌زند و سنجه برگرفته از مدل گلاک و استارک را با آن مقایسه کنیم.

از مرور ادبیات پژوهش‌های پیرامون سنجش دینداری به این نتیجه می‌رسیم که حوزه دینداری به لحاظ کمیت پژوهش‌های صورت گرفته، حوزه غنی‌ای به‌شمار می‌رود. اما به لحاظ پژوهش‌های صورت گرفته در زمینه دینداری‌های غیرمسیحی - یهودی، به‌ویژه دینداری اسلامی، هنوز تعداد پژوهش‌ها، قابل ملاحظه نمی‌باشد و به لحاظ کیفیت نیز در این زمینه، کارهایی که از غنای علمی خوبی برخوردار باشند، بسیار اندک است.

این نقصان از دو جهت نمودار می‌شود. از یک طرف، از حیث روشی، اغلب سنجه‌های طراحی شده در جوامع اسلامی، اعم از ایران و غیر آن، از اعتبار و پایایی لازم برخوردار نیستند و از طرف دیگر طراحی سنجه دینداری نیازمند درک عمیق و همه‌جانبه از دین و دینداری است، تا ناخواسته راه به جایی نبریم که یا عده‌ای از دینداران را از شمول آن خارج کنیم و یا تعریف دینداری را آن قدر وسیع در نظر گیریم، که در ارزیابی خود نسبت به حقیقت دینداری جامعه به بیراه کشیده شویم.

نکته مهم و قابل تأمل آن است که طراحی سنجه‌های دینداری به لحاظ همه حساسیت‌ها و ظرافت‌های لازم، امری است که نیازمند پژوهش بین‌رشته‌ای می‌باشد و برای به سامان رسیدن آن لازم است یک کار پژوهشی جمعی صورت گیرد تا هم با حضور دین‌شناسان، دقت‌های مطالعات درون‌دینی رعایت شود و هم با حضور جمعی از متخصصان جامعه‌شناسی و حتی روان‌شناسی، ویژگی‌های یک ابزار سنجش در آن لحاظ گردد. مسئله‌ای که در کار تحقیقاتی مدل ام. آر. پی. آی، نیز به چشم می‌خورد. لذا ما نیز برای شناسایی بیشتر این مدل تمرکز اصلی این پژوهش را به بررسی اعتبار و پایایی این مدل معطوف ساختیم.

هدف پژوهش

هدف این پژوهش آن است که مدل ام. آر. پی. آی، به صورت تجربی با سنجه‌های دکتر شجاعی‌زند و سنجه‌های برگرفته از مدل گلاک و استارک مقایسه شود و روشن شود آیا بین نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه «دینداری - شخصیت اسلامی» و سایر سنجه‌های دینداری در ایران رابطه وجود دارد؟

ادبیات نظری و مفهومی

قبل از پرداختن به تعاریف عملیاتی دینداری و مقایسه مبانی نظری سه مدل موردنظر، لازم است نگاهی اجمالی به رویکرد متفاوت آنها در باب مفهوم دینداری داشته باشیم. دینداری

مفهومی «اسمی» است و منظور از تعریف اسمی تعریفی است که معنا و اجزای اصطلاح را به منظور کندوکاوی فلسفی مشخص می‌کند (بیکر، ۱۳۸۱: ۱۳۰). در معنای اسمی، دینداری به دینی بودن، التزام و پایبندی به دین، تعریف شده است. لذا این تعریف از دینداری بسیار وابسته به آن است که برای دین چه عناصری را مدنظر داشته‌ایم و این امر بیشتر از آنکه به نوع تعریف ما از دین و دینداری مربوط باشد به حیثه اثر و کارکردی که هر دین برای خود قائل است، منوط می‌باشد. با نگاه جامعه‌شناختی و تعریفی که از دین و دینداری ارائه می‌دهیم نه می‌توانیم حد و مرز کارکرد دین مورد مطالعه را از آنچه هست کاهش دهیم و نه می‌توانیم دایره تأثیر آن را افزایش دهیم. همچنین در این زمینه نمی‌توان همه ادیان را یکپارچه دید و تعریفی یافت که برای همه ادیان به‌طور یکسان کاربردی باشد.

این موضوع که محقق چه ادیانی را برای پژوهش در نظر داشته است، در تعریفش از دینداری مؤثر بوده است. به‌طور مثال سراج‌زاده در تعریف دینداری، التزام دینی را بیان می‌کند که «نظامی از باورها و رفتار که به مابعدالطبیعه مربوط است.» (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۵۹) و یا شجاعی‌زند در مقاله «مدلی برای سنجش دینداری در ایران» دینداری را این‌گونه تعریف می‌کند: «داشتن اهتمام دینی به‌نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد»

بنابراین همان‌طور که شجاعی‌زند هم بیان می‌کند، نوع و جهت تأثیر بر فرد را ادیان تعیین می‌کنند. لذا کشف و شناسایی آن مستلزم شناخت دقیق دین موردنظر است که این امر مستلزم مطالعات درون‌دینی است. البته باید توجه داشت «اینکه دینداری برحسب رویکرد و فحوای متفاوت ادیان تعاریف متفاوتی می‌پذیرد»، به‌هیچ‌وجه نافی امکان سنجش آن با روش‌های عام علمی نیست و قبول دینداری‌های متفاوت، حسب تفاوت‌های دینی به هیچ‌رو آن را از دایره مطالعات جامعه‌شناسانه و روان‌شناسانه بیرون نمی‌اندازد (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۳۶).

تعریف اسمی دینداری در مدل سراج‌زاده (گلاک و استارک)

سراج‌زاده در تعریف اسمی دینداری آورده است: «تعریف اسمی دینداری که در برخی از مطالعات، به معنای دینی بودن، التزام دینی و پایبندی دینی آمده، مبتنی بر تعریف دین است. بیشتر دانشمندانی که دغدغه تعریف دینداری را داشته‌اند، دین - به‌ویژه در شکل نهادی شده - سنتی آن - را به‌طور ضمنی یا صریح به معنای نظامی از باورها و رفتار که به مابعدالطبیعه مربوط می‌شود، در نظر گرفته‌اند. با وجود این، برخی از دانشمندان مفهوم وسیع‌تری از دین را پذیرفته‌اند که به همه انواع باورهایی اطلاق می‌شود که به مابعدالطبیعه و ارزش‌های متعالی مربوط است. در این مدل ما نیز تعریف جامع دین را پذیرفته‌ایم. این تعریف اشکال نهادی شده باورها و رفتارها (مثل آیین‌ها و ادیان سنتی) و اشکال غیرنهادی شده باورها و رفتارها (نظیر

هرگونه باور فردی به عالم معنوی و نیز اصول اخلاقی متعالی) را در برمی گیرد. این معنی شامل نظام‌های معنایی کلیسایی و غیرکلیسایی هم می‌شود. دین مدنی نمونه‌ای از دین غیرکلیسایی است که بلا^۱ آن را معرفی کرده است. (سراجزاده، ۱۳۸۳: ۵۹).

تعریف اسمی دینداری در مدل شجاعی‌زند

شجاعی‌زند «دینی بودن»^۲ را عنوان عامی می‌داند که به هر فرد یا پدیده‌ای که ارزش و نشانه‌های دینی در آن متجلی باشد اطلاق می‌شود و تجلی ارزش‌ها و نشانه‌های دینی بودن فرد را در نگرش، گرایش و کنش‌های آشکار و پنهان او می‌توان شناسایی کرد. از منظر وی فرد متدین، از یک‌سو خود را ملتزم به رعایت فرامین و توصیه‌های دینی می‌داند و از سوی دیگر، اهتمام و ممارست دینی او را به انسانی متفاوت با دیگران بدل می‌سازد. بنابراین به دو طریق یا با دو نشانه می‌توان او را از دیگران بازشناخت. یکی از طریق پایبندی و التزام دینی‌اش و دیگری از پیامد دینداری و آثار تدین در فکر و جان و عمل فردی و اجتماعی او (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸).

«دینداری، به بیان کلی یعنی داشتن «اهتمام دینی» به نحوی که نگرش، گرایش و کنش‌های فرد را متأثر سازد. نوع و جهت تأثیر را ادیان تعیین می‌کنند؛ پس کشف و شناسایی آن مستلزم مطالعات درون‌دینی است. اما عمق و شدت تأثیرگذاری و روند تغییرات آن مشخصاتی است که از طریق واری‌های بیرونی روان‌شناسان و جامعه‌شناسان به دست می‌آید و لاجرم در آن از روش‌های تجربی - مقایسه‌ای استفاده می‌شود» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸).

از آنجا که دین برای انسان است. لذا نمی‌تواند ناظر به جنبه‌ها و ابعادی فراتر از ابعاد وجودی انسان باشد، اما برعکس، ادیانی را می‌توان یافت که تنها متوجه برخی از ابعاد وجودی انسان شده‌اند و بقیه ابعاد را مغفول گذارده یا در ذیل و ادامه دیگر ابعاد شمرده‌اند. برای آنکه ابعاد دین و دینداری را به ابعاد وجودی انسان مرتبط کرده و مدلی برای سنجش دینداری در ایران بسازیم، اکتفا به آراء اجماعی فلاسفه و متکلمان مسلمان در این باره وافی به مقصود است. در شایع‌ترین الگوی انسان‌شناختی، صرف نظر از مبانی برهانی و کلامی آن، علاوه بر بعد مادی که کمتر محل منازعه و تشکیک بوده است، وجود بعد غیرمادی انسان نیز پذیرفته شده است. در تفصیل بعد غیرمادی انسان، حسب تجلیات و آثار متفاوت آن، به دو جنبه متمایز عقلی و عاطفی یا ذهن و روان نیز اذعان گردیده است. منابع دینی و فلسفی و ذوقی تمام فرهنگ‌های زنده بشری خصوصاً مسلمانان سرشار از تعبیری است که به بیان‌های گوناگون از این سه بعد یاد کرده‌اند (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸).

1. Bella
2. Religiousness

وی بیان می‌کند که با فرض ابعاد وجودی سه‌گانه برای انسان، اینک باید سراغ ابعاد و اجزای تشکیل‌دهنده دین و بررسی نسبت آنها رفت و در ادامه می‌افزاید، مقایسه میان بعدشناسی‌های مختلف جامعه‌شناسان و روان‌شناسان از دین، دو نکته را روشن می‌سازد؛ اول وجود اختلاف آرا درباره ابعاد و قلمرو دین که عنصر تعیین‌کننده‌ای در ابعاد دینداری است و دوم ناگزیر بودن اتخاذ موضع کلامی درباره این موضوع است.

هرچند شجاعی‌زند به ضرورت مطالعه درون‌دینی پیرامون مفهوم دینداری اشاره می‌کند ولی در مدل وی نیز مباحث درون‌دینی غنی به چشم نمی‌خورد.

تعریف اسمی دینداری در مدل ام. آر. پی. آی.

در مدل ام. آر. پی. آی. در جهت روشن شدن تعریف اسمی دینداری اسلامی، مطالعات درون‌دینی صورت گرفته است که ذیل چهار عنوان کلی، «هستی‌دیانت و شخصیت»، «شخصیت دینی از باور تا عمل»، «دینداری تحت عنوان تقوا» و «سطوح دینداری» طرح گردیده است که خلاصه‌ای از هر یک در ادامه ارائه می‌شود.

هستی‌دیانت و شخصیت

شخصیت عبارت است از چگونگی نشان دادن خلق و خصوصیات اصلی ما به جهان پیرامون. شخصیت می‌تواند به ظهور صفات اصلی در اعمال، افکار و کلمات تعبیر شود. دیانت و شخصیت دارای ارتباط تنگاتنگی هستند. بسیاری از ادیان جهان بر باورهای خاص خودشان تأکید دارند اما تأکید اسلام بیشتر بر روی اعمال صادر شده از این افکار و یا کاربردی کردن معرفت دینی در همه ابعاد زندگی است. این عملی کردن افکار به سلوک فردی تعبیر می‌شود که منعکس‌کننده شخصیت فرد است. (یو پی ام، ۲۰۰۷).

شخصیت دینی از باور تا عمل

اکثریت کارهایی که در مورد شخصیت دینی انجام شده است، کارهای ناقصی است که بر پایه تئوری «نشان‌محور» قرار گرفته است که اصرار دارد تعدادی از نشانه‌هایی را که اغلب در افراد دیندار موجود است، از قبل پیش فرض بگیرد. محدودیت‌های موجود در این کارها در توجه افراطی به این نظریه است. این نظریه اجازه نمی‌دهد تا کیفیات خاص سنت‌های دینی فردی و تأثیر آموزه‌های آنها بر شخصیت و رفتار انسان فهم شود. مطالعات علمی در مورد شخصیت دینی به‌خوبی نشان می‌دهد که باور و عمل، نظریه شخصیت دینی اسلامی را تشکیل می‌دهد. (یو پی ام، ۲۰۰۷).

از این مطلب می‌توان دریافت که شخصیت دینی اسلامی تنها از طریق اعتقادات و یا اعمال تعریف نمی‌شود بلکه هر دوی آنها باید در کنار یکدیگر باشند و احتمالاً باید روی اعمال و

کردار تأکید بیشتری شود. در مورد شخصیت اسلامی می‌توان گفت شامل نشان‌ها و صفات کلی است که گاهی با تعریف شخصیت در سایر ادیان نقاط مشترک دارد. اسلام دارای اعمال فردی مهمی است و همین مسئله است که آن را اسلامی و منحصر به فرد می‌کند. به علاوه نگاه جامع به دین و دینداری مرکب، از خصوصیات منحصر به دین اسلام است و شکل توحیدی آن را منعکس می‌کند. نگاه اسلام به شخصیت دینی در بعضی جهات، مفهوم الهیات عملی را به یاد می‌آورد که مورد حمایت پرویسر (۱۹۶۸) و مالونی^۱ (۱۹۸۵) است. در تحقیق (یو پی ام، ۲۰۰۷) دیدگاه مالونی چنین بیان شده است که: «الهیات عملی عبارت است از منشی که در آن الزامات و دستوراتی بیان شده باشد که در زندگی روزمره به کار رفته و استفاده می‌شود. نظریه الهیات عملی بر اهمیت دین به عنوان یک چارچوب توصیفی و نظام‌مند تأکید دارد (فهم طبیعت انسانی، طبیعت جهان، راه‌های تحول انسان، معنای اخلاق و هدفمندی در زندگی) و اینکه چگونه این چارچوب روی رفتار فردی روزانه مؤثر است. تامپسون^۲ در این مورد بیان می‌دارد که: «مفهوم الهیات عملی توجه را از توافق روی باورهای خاص و شرکت در مجالس مذهبی برمی‌دارد و به سوی زندگی موفق و به کارگیری باورهای دینی در زندگی روزمره می‌برد». بنابراین شباهت‌های مهم زیادی مابین دینداری اسلامی و چارچوب الهیات عملی وجود دارد. به خصوص در این مورد که چگونه چارچوب نظام‌مند و جهان‌بینی مستقیماً روی رفتارهای فردی روزمره تأثیرگذار است. سرمایه دینی که به معنای تعلق و سرمایه یک مذهب و فرهنگ آن است مستقیماً با شخصیت دینی در ارتباط است. سطوح بالای سرمایه دینی دلالت بر شخصیتی می‌کند که هر چه بیشتر در جهان‌بینی توحیدی فرو رفته است و این مسئله از تفکر، عمل و تمام کارهای روزانه او درک می‌شود و همین جاست که نیروی بالقوه انسان برای انجام اعمال مثبت اجتماعی و ارتباطات مؤثر با دیگران به وسیله تعلیمات مذهبی و عشق به خدا و ترس از او تقویت می‌شود و این در درون انسان ماندگار می‌شود. البته درجه تأثیر آن بستگی به میزان فهم و تمرین جهان‌بینی توحیدی دارد که در شخصیت دینی و اجزای دینداری ظهور یافته است. از این مطلب می‌توان دریافت که ما می‌توانیم به این نتیجه برسیم که سطوح عالی دینداری با دو مفهوم جهان‌بینی توحیدی و شخصیت دینی تعریف می‌شود (یو پی ام، ۲۰۰۷).

دینداری تحت عنوان تقوا

اهمیت تقوا از چندین طریق به ما ثابت شده است، شمار آیات قرآن و احادیث پیامبر و صحابه او و تأکید علمای اسلام در باره معنا و اهمیت تقوا مؤید این امر است. کلمه تقوا به دلیل داشتن جامعیت معنایی، منعکس‌کننده شخصیت اسلامی و همین‌طور داشتن باور و عمل است. تقوا

1. Malony
2. Thompson

تنها به معنی اطاعت از خداوند و بندگی و تعهد نیست بلکه آغاز ایمان به حضور خداوند است که شامل معرفت به ذات ماورائی خداست. این امر محتاج به ایمان و معرفتی بسیار قوی است. تقوا محدود به ابعاد درونی و اعتقادی ایمان نمی‌شود بلکه عمل درست به باور و اطاعت محض از دستورات خداوند و قوانین الهی را نیز شامل می‌شود. به همین دلیل است که در بعضی از موارد، تقوا به ترس از خدا ترجمه می‌شود و این به معنای ترس از نافرمانی او و همین‌طور ترس از محروم ماندن از لطف و محبت خداوند است (یو پی ام، ۲۰۰۷).

از منظر طراحان مدل ام. آر. پی. آی. شرح خطبه متقین، شرحی است با جزئیات و نشان‌دهنده کمال و تمامیت دین اسلام در اعتقاد و عمل و اینکه چگونه وجود خدا در زندگی روزمره مسلمانان سایه انداخته است. تقوا کاملاً منعکس‌کننده دینداری از منظر اسلام است که به‌وسیله تسلیم کامل در برابر خدا در تمام جهات از آغاز جهان‌بینی، در عقیده و دانش اسلامی تا تمامی اعمال زندگی روزمره مسلمانان و مطابق با دستورات و قوانین الهی است، نهایتاً تقوا به معنای آگاهی از وجود خدا در تمامی لحظات و حالات است (یو پی ام، ۲۰۰۷).

سطوح دینداری: اسلام، ایمان، احسان

از آنجا که برطبق متون دینی، دینداری دارای گستره‌ای است که متناظر با این گستره، دینداران در مراتب متفاوتی از آن قرار دارند لذا معرفی این مراتب در تعریف نظری از دینداری امری ضروری است. این مراتب عبارت‌اند از اسلام، ایمان و احسان. سطح اول که اسلام است به معنای اطاعت و پرستش عبادت خداوند است. اسلام عبارت است از رفتار بیرونی که شامل عمل و سخن است. سطح دوم ایمان است که باور یا عقیده نام دارد که ریشه در اعتقادات اسلامی دارد و مرحله آخر، احسان (فضیلت) نیز عبارت است از فضیلت روحانی و شامل مشخصات مراقبت (دانستن اینکه خداوند ناظر بر اعمال ماست) و مشاهده (سعی در تهذیب نفس و قلب فرد) است (یو پی ام، ۲۰۰۷).

طراحان این مدل در ادامه پس از ذکر مستندات متعدد بیان می‌دارند که سه مرحله مجزا در ایمان اسلامی وجود دارد. این سه، می‌تواند سه مرحله دینداری اسلامی در نظر گرفته شود که غزالی آن را این‌چنین بیان می‌دارد: «براساس لغت، اسلام، اصطلاح کلی‌تری است، در حالی که اعتقاد (ایمان) شرایط ویژه‌ای است. بنابراین ایمان نشان‌دهنده اسلام ناب‌تری است در نتیجه ایمان همان اسلام است، اما هر اسلام آوردنی، نشان‌دهنده وجود ایمان نیست.» باشکوه‌ترین و آخرین مرحله، احسان (عرفان) است، این رتبه سطح اولیاء و یا دوستان خداوند است و منعکس‌کننده سطح بالایی از احساس حضور خدا و رعایت تقوا است. این را می‌توان به زندگی عرفا نسبت داد که تمرکز و اعمال آنها همه بر اساس ذکر دائم خداوند در همه فعالیت‌های زندگی است. در تعریف ما از دینداری بر مبنای تقوا آنان که بالاترین مرحله دینداری یعنی احسان را به‌دست می‌آورند، طبق نظر قرآن متقین نامیده می‌شوند (یو پی ام، ۲۰۰۷).

لذا در تعریف اسمی دینداری در مدل ام. آر. پی. آی. دینداری گستره وسیعی است که هم مراتب اولیه آن یعنی همان مسلم بودن و هم مراتب عالی دینداری (متقی بودن) را شامل می‌شود منتها دارای مراتب و درجات مختلفی است.

تعریف عملیاتی

منظور از تعریف عملیاتی تعریفی است که راه‌های سنجش مفهوم را مشخص می‌کند (بیکر، ۱۳۸۱: ۱۳۱). ابتدا باید یادآور شد که مفهوم‌سازی و تعریف عملیاتی دینداری در ادبیات جامعه‌شناسی ناظر به صفت افراد است نه صفت گروه‌ها و جوامع. همچنین باید توجه داشت که از نگرش دوقطبی به‌نحوی که افراد را به دیندار و بی‌دین دسته‌بندی کند، اجتناب شود. چرا که «دینداری یک تجربه در حال شدن است و به مقتضای تغییرات عاطفی و تقلبات ارادی جاری در آن دائماً در کاستی و تزیید است.» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸: ۴۰) و بسته به ابعادی که برای آن قائل می‌شویم دارای شدت و ضعف می‌باشد.

بنابراین انواع دینداری‌های قابل تصور در هر دینی، از میزان پایبندی‌های متفاوت پیروان به ابعاد مختلف آن دین شکل می‌گیرد. لذا بحث از ابعاد دین و تعریف آن ضرورت می‌یابد. از اوایل دهه ۱۹۶۰، که گرهارد لسنکی برای اولین بار اندیشه ماهیت چندبعدی دین را مطرح نمود، تا به حال بحث‌های فراوانی در این مورد صورت گرفته است. اکنون دیگر این نکته پذیرفته شده است که دین نمی‌تواند پدیده‌ای تک‌بعدی باشد.

هر چند بحث چندبعدی بودن همه ادیان با نام گلاک و استارک پیوند خورده است، قائل بودن به ابعاد چندگانه برای دین، ناظر به نوع انسان‌شناسی خاصی است و این انسان‌شناسی‌ها در هر دینی متفاوت با دین دیگر است. ادیانی را می‌توان یافت که تنها متوجه برخی از ابعاد وجودی انسان شده‌اند و بقیه ابعاد را مغفول گذارده یا در ذیل و ادامه دیگر ابعاد شمرده‌اند. بنابراین، برای تعیین ابعاد دین باید از ابعاد وجودی انسانی که انسان‌شناسی آن دین ارائه می‌کند، استفاده کنیم پس به ناچار به بحثی کلامی و درون‌دینی ورود پیدا می‌کنیم (شجاعی‌زند، ۱۳۸۴: ۴۰ و سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۲) در ادامه به تبیین تعریف عملیاتی که این سه مدل از دینداری ارائه داده‌اند می‌پردازیم.

تعریف عملیاتی مدل دینداری شجاعی‌زند

شجاعی‌زند ذیل عنوان شاخص‌های دینداری در اسلام بیان می‌دارد: «اسلام انسان را واجد دو بعد وجودی می‌شناسد (نک به آیات ۹-۷ سوره سجده و ۲۹-۲۸ سوره حجر از قرآن کریم) که در برخی تعبیر تا سه بعد تفصیل پیدا کرده است. دعوی کمال و فراگیری در این آیین آن را ناگزیر ساخته تا در اهتمام به تمامی ابعاد دین متناسب و متناظر با حداقل یک بعد وجودی انسان قرار دهد.»

شجاعی‌زند در مورد ابعاد دین اسلام معتقد است که در این موضوع تعابیر بعضاً متفاوتی وجود دارد به‌گونه‌ای که از سه بعد «اعتقادات»، «احکام» و «اخلاق» تا پنج بعد «عقیده»، «ایمان»، «عبادیات»، «اخلاق» و «شریعت» (فقه) گفته شده است. این تمایزات بیش از آنکه ناشی از اختلاف نظرهای اصولی در چپستی و حیطة عمل دین باشد، برخاسته از اختلاف تعابیر مفسران از مفاهیم به‌کار رفته است. مثلاً به این مسئله بر می‌گردد که اعتقادات به‌مثابه «اصول دین» را علاوه بر عقاید، حاوی جنبه ایمانی هم بدانیم یا نه و اینکه آیا دو جنبه متمایز نهفته در احکام یا فروع دین یعنی عبادات و شریعت را از هم جدا سازیم یا خیر (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸).

«باتأملی در فحوای ادیان و آموزه‌ها و تعالیم آنها، سه جنبه «معرفتی»، «عاطفی» و «رفتاری» قابل تشخیص است. این سه جنبه به بیان‌های مختلف و درباره تمامی ادیان متفاوت است. صور تفصیل‌یافته و ترکیب‌شده این سه جنبه، وجوه دیگری از دین را عرضه می‌دارد که برای ما شناخته‌شده‌ترند و رواج بیشتری در نوشته‌های دینی دارند. «عقیده»، «ایمان»، «عبادات»، «اخلاق» و «شریعت» که پیش از این اشاره شد، مفاهیم و مقولاتی‌اند که هر کدام جنبه متمایزی از دین را معرفی می‌نمایند و در عین حال در یک یا دو وجه از وجوه سه‌گانه پیش‌گفته ریشه دارند.» (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸: ۵۲)

دینداری را نیز اگر تأثیر و تجلی کم یا زیاد دین در ذهن، روان و رفتار فرد بدانیم و آن را از طریق ابعاد تفصیل‌یافته‌اش، یعنی عقیده و ایمان و عبادت و اخلاق و شریعت دنبال کنیم، با ابعاد پنج‌گانه زیر می‌توان شناخت:

معتقد بودن؛ مؤمن بودن؛ اهل عبادت بودن؛ اخلاقی عمل کردن؛ متشرع بودن. طبیعی است برای ساخت سنجه یا سنجه‌های معیاری که بتوانند تجلیات دین را در تمامی ابعاد وجودی فرد و عرصه‌های مختلف زندگی اندازه‌گیری نمایند، علاوه بر ابعاد و وجوه تصریح‌شده دینداری که حکم حداقل دینی بودن را دارند؛ می‌توان آن را از طریق آثار و نشانه‌ها و همچنین پیامدهای عمیق‌تر آن نیز سنجید. از آثار و نشانه‌های دینداری می‌توان به اهتمامات فرد در بالا بردن دانش و معلومات دینی خود، در داشتن ظاهر دینی، در اقامه و برپایی شعائر و داشتن اهتمام مشارکتی و پیوندهای معاشرتی اشاره کرد. پیامدهای عمیق دینداری را که همانا هدف غایی ادیان در متحول ساختن انسان‌ها است، باید در کسب بینش الهی، در تعمیق ایمان و تجلیاتش در نیل به قدرت کشف و شهود، صورت فخیم همان چیزی که در نوشته‌های امروزه به تجربه دینی مشهور است؛ در به‌چنگ آوردن ملکه تقوا و در ملکات اخلاقی که به ترتیب به روابط فرد با خدا، با خود و با دیگران مربوط است جست (شجاعی‌زند، ۱۳۸۸: ۵۲).

جدول ۱: مدل سنجش دینداری شجاعی‌زند

ابعاد وجودی انسان	وجود دین	ابعاد دین	ابعاد دینداری	نشانه‌های دینداری	پیامدهای دینداری
ذهن	معرفتی	اعتقادات	معتقد بودن	داشتن معلومات دینی	بینش الهی
روان	عاطفی	عبادات	ایمانیات	داشتن ظاهر دینی	اهل معنا بودن
			مؤمن بودن		
			اهل عبادت بودن		
			انجام فردی عبادات		
اخلاقیات	انجام جمعی عبادات	عمل اخلاقی عمل کردن			
تن	عملی	شرعیات	متشرع بودن	عمل به تکلیف فردی	متقی بودن
				عمل به تکلیف جمعی	
				داشتن هویت دینی	
				داشتن اهتمام شعائری	
				داشتن مشارکت دینی	
				داشتن معاشرت دینی	
اهتمام دینی خانواده					

تعریف عملیاتی سنجه گلاک و استارک

طی دو دهه پنجاه و شصت میلادی، در تلاش برای فهم و تبیین دین در آمریکا گلاک بحث ابعاد التزام دینی را مطرح کرد. وی این بحث را در سال ۱۹۶۲ گسترش داد و با همکاری استارک در سال ۱۹۶۵ به شرح و بسط آن پرداخت. هدف اصلی آنها از طرح این مباحث عموماً درک شیوه‌های مختلفی بود که مردم با توسل به آن خود را مذهبی تلقی می‌کردند. به نظر گلاک و استارک همه ادیان جهانی به‌رغم آنکه در جزئیات بسیار متفاوت‌اند، دارای حوزه‌های کلی هستند که دینداری در آن حوزه‌ها، جلوه‌گر می‌شود. این حوزه‌ها که می‌توان آنها را به‌مثابه ابعاد اصلی دینداری در نظر گرفت، عبارت‌اند از: اعتقادی، مناسکی، تجربی، فکری، پیامدی. بعد اعتقادی، باورهایی را در بر می‌گیرد که انتظار می‌رود پیروان آن دین، بدانها اعتقاد داشته باشند. گلاک و استارک این باورها را در هر دین خاص، به سه نوع باور تقسیم کردند: باورهای پایه‌ای مسلم که ناظر به شهادت دادن به وجود خداوند و معرفی ذات و صفات اوست، باورهای غایت‌گرا که هدف و خواست خداوند از خلقت انسان و نقش انسان را در راه نیل به این هدف باز می‌نمایانند و باورهای زمینه‌ساز که روش‌های تأمین اهداف و خواست خداوند و اصول اخلاقی‌ای را که بشر برای تحقق آن اهداف باید به آن توجه کند، را در برمی‌گیرد. بعد مناسکی یا عمل دینی، اعمال دینی مشخص نظیر عبادت، نماز، شرکت در آیین‌های مقدس خاص، روزه و... را که انتظار می‌رود پیروان هر دین آنها را به‌جا آورند، در برمی‌گیرد. گلاک و استارک بر این نکته تأکید ورزیدند که لازم است در عملیاتی نمودن این بعد، علاوه بر مشارکت در فعالیت‌های مناسکی، تفاوت‌های مربوط به ماهیت یک عمل و معنای آن عمل نزد فاعلان آن نیز بررسی شود.

بعد تجربی یا عواطف دینی، در عواطف، تصورات و احساسات مربوط به برقراری رابطه با وجودی همچون خدا که واقعیت غایی یا اقتدار متعالی است ظاهر می‌شود. گلاک و استارک در عین آگاهی از مشکلات مطالعه بعد تجربی دین، برای تعریف عملیاتی این بعد روشی را مطرح کردند که چهار نوع از جلوه‌های عواطف دینی، شامل توجه، شناخت، اعتقاد یا ایمان و ترس را در برمی‌گرفت.

بعد فکری یا دانش دینی، اطلاعات و دانش اساسی در مورد اصول عقاید دینی و کتب مقدس را که انتظار می‌رود پیروان آنها را بدانند، شامل می‌شود. این بعد، معرف مناسبی برای سنجش میزان دینداری فرد نیست، مگر اینکه گرایش‌های فرد را در سایر ابعاد دینی، به‌خصوص در بعد اعتقاد دینی در نظر بگیریم.

بعد پیامدی یا آثار دینی شامل پیامدهای باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره فرد معتقد و روابط او با دیگران است (سراج‌زاده، ۱۳۸۳).

جدول ۲: مدل گلاک و استارک (سراج‌زاده، ۱۳۸۳: ۶۲)

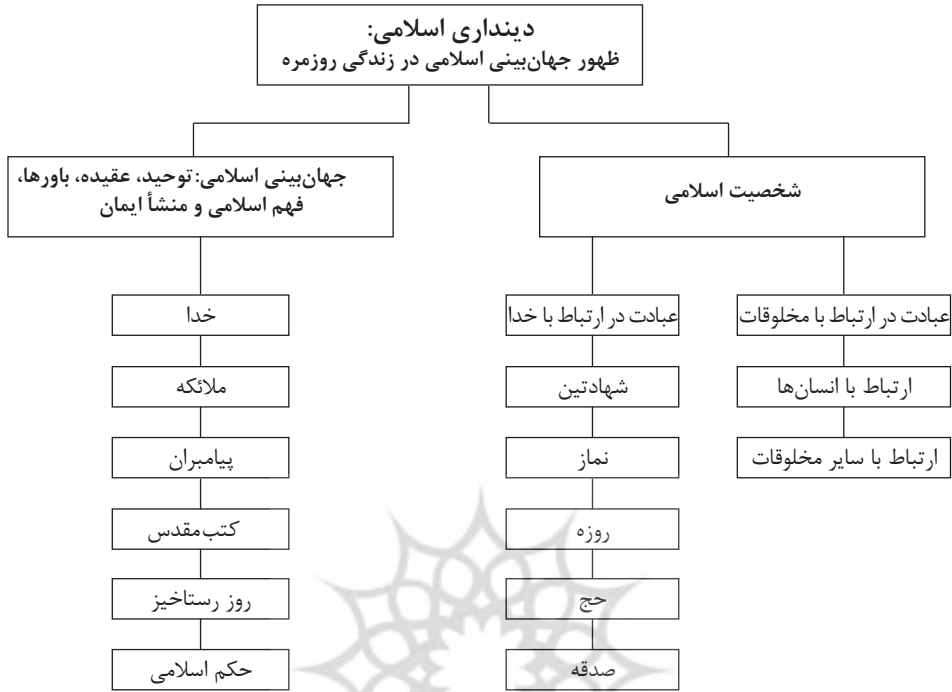
ابعاد عمومی التزام دینی	مقیاس‌های اولیه
اعتقادی	باورهای پایه‌ای مسلم
	باورهای غایت‌گرا
	باورهای زمینه‌ساز
مناسکی	عبادت
	نماز
	روزه
	شرکت در آیین‌های مقدس خاص
تجربی	توجه
	شناخت
	ایمان
	ترس
پیامدی	آثار باور، عمل، تجربه و دانش دینی در زندگی روزمره

تعریف عملیاتی مدل سنجش دینداری ام. آر. پی. آی.

مدل دینداری از منظر اسلام

در مدل سنجش دینداری ام. آر. پی. آی. ابتدا براساس روش تحقیقی از نوع توصیفی، مدل دینداری از منظر اسلام تدوین شد (نمودار ۱) تا یک تصویر کلی از دینداری از منظر اسلام براساس یافته‌های تحلیلی توصیفی ارا نه دهد. این مدل از مراحل زیر تشکیل شده است: دایره دینداری، هرم دینداری، طراحی استراتژی و هدف.

الگوی سنجش دینداری از منظر اسلام



نمودار ۱: الگوی دینداری اسلامی ام. آر. پی. آی.

بر اساس منابع اطلاعاتی توصیفی که در بالا بیان شد الگوی سنجش شخصیت و دینداری مسلمانان برای ابزار سنجش ام. آر. پی. آی. تهیه شده است. ابزار سنجش ام. آر. پی. آی. برای هدف سنجش بروز مراتب دینداری از اسلام، تا ایمان و در نهایت، تقوا ساخته شد. این مراتب طی دو سازه و یا جهت، درک می‌شود، جهان‌بینی اسلامی و شخصیت دینی (نمودار ۱).

بعد جهان‌بینی اسلامی شامل دانش و دریافت فردی گفتار و ارکان اسلامی است که به باور به الله (ایمان به خدا) و پیامبران و مرسلین و ملائکه و کتب مقدس و روز رستاخیز و قضا و قدر (ایمان به غیب) بر می‌گردد. باور به اینکه خداوند خالق همه چیز است و برنامه‌ریزی همه امور به دست اوست.

باور به خدا: عبارت است از اینکه خدایی جز الله وجود ندارد و محمد(ص) تنها فرستاده اوست. باور به غیب: زکریا استاپا (۱۹۹۹ به نقل از یو پی ام، ۲۰۰۷) در توضیح این خرده بعد بیان می‌دارد: باور به ملائکه، جن و سایر جهان‌هایی که در ماوراء زمین وجود دارد.

• باور به پیامبران و مرسلین: یعنی اعتقاد به پیامبری آنها و دوست داشتن آنها و عمل به دستورات آنهاست.

• اعتقاد به کتب مقدس: به معنای این است که معتقد به این باشیم که این کتاب‌ها به

پیامبران و از طرف خداوند به آنها وحی شده است. اعتقاد به این باور که به سایر پیامبران و مرسلین نیز وحی شده است.

• پذیرش روز رستاخیز: یعنی باور به روزی که انسان‌ها برای پاسخگویی در مورد اعمالشان در این جهان، برانگیخته خواهند شد و باور به وجود عقاب و ثواب و وجود جنت و دوزخ.
• قضا و قدر: به معنای اعتقاد به اراده الهی و همین‌طور اعتقاد به علم الهی نسبت به جهان و تقدیر (حکم) وی و ثبت اعمال در لوح محفوظ و مشیت (اراده) خداوند نسبت به آنچه باید اتفاق بیافتد.
• باور به جامع بودن دین خدا: از آنجا که خداوند خالق همه چیز است لذا شریعت او به‌عنوان برنامه زندگی بشر به همه نیازهای بشر توجه داشته و براساس آن پایه‌ریزی شده است. شریعت الهی دارای ارزش‌های عالی است که محدود به موقعیت‌های مکانی و زمانی خاصی نمی‌شود و برای همه بشریت قابل پیروی است (یو پی ام، ۲۰۰۷).

بنابراین مدل ام. آر. پی. آی. در ذیل بعد اصلی جهان‌بینی، شامل سه خرده بعد ایمان به خدا، ایمان به غیب و ایمان به جامعیت شریعت الهی است.

بعد شخصیت دینی شامل احوال و رفتار است که از ارزش‌های معتقد به آن ریشه می‌گیرد. این رفتارها و باورها براساس عمل به واجبات اسلامی و طبق ارکان اسلام انجام می‌شود که به رابطه مستقیم یک نفر با خدا برمی‌گردد که از آن به عبادت تعبیر می‌شود.

عبادت: به نقل از صحیح بخاری شامل واجباتی از قبیل شهادت به یگانگی خدا، نماز، روزه ماه مبارک رمضان، پرداخت زکات و حج می‌شود. شهادت دادن به معنای گواهی دادن به این مطلب است که خدایی جز الله نیست و محمد تنها فرستاده اوست (از آنجا که علاوه بر باور و اعتقاد، به زبان آوردن این کلمات، خود موضوعیت داشته و جزء اعمال و رفتار فرد به حساب می‌آید در بعد شخصیت دینی و در ذیل خرده بعد عبادت قرار می‌گیرد). همچنین شامل نماز، روزه، خمس، زکات، حج و... می‌باشد (یو پی ام، ۲۰۰۷: ۶۹).

شخصیت دینی شامل اخلاق اسلامی نیز می‌باشد. عبدالغنی شمس‌الدین (به نقل از یو پی ام، ۲۰۰۷) آورده است: اخلاق اسلامی به معنای عبادت خاصی است که شامل رابطه همراه با آگاهی فرد با خود و مردم و محیط پیرامون است. زکریا استایا (به نقل از یو پی ام، ۲۰۰۷) در تعریف اخلاق اسلامی بیان می‌دارد: اخلاق اسلامی از ارزش‌های متفاوت تشکیل شده است که با خود فضیلت به همراه می‌آورد و مانع پلیدی و بدکاری است و این در بیان قرآن، اجماع (مشورت) و سنت در میان اهل سنت و پیروان سایر مذاهب دیده می‌شود (یو پی ام، ۲۰۰۷: ۶۹).
بنابر آنچه ذکر شده دیگر خرده ابعاد شخصیت دینی عبارت‌اند از:

مؤلفه فردی (نفس): که عبارت است از جنبه‌های فردی اخلاق اسلامی از جمله دوری از حسادت و ریا، اصرار بر صداقت، پذیرش اشتباه خود و...

مؤلفه اجتماعی: که عبارت است از جنبه‌های تعامل و بین فردی اخلاق اسلامی از جمله کمک به نیازمندان، مهمان‌نوازی، عیب‌پوشی، وفای به عهد، گشاده‌رویی، احترام به والدین و...

جمع‌بندی و مقایسه سه مقیاس

جدول ۳: ابعاد متناظر دینداری در سه مدل نظری مورد بررسی

ابعاد مدل شجاعی‌زند	ابعاد مدل گلاک و استارک	ابعاد مدل ام. آر. پی. آی.	
معتقد بودن (اعتقادات)	بعد اعتقادی	جهان‌بینی	
مؤمن بودن (ایمانیات)	بعد تجربی (عواطف دینی)	اخلاق فردی (نفس)	شخصیت دینی
اخلاقی عمل کردن (اخلاقیات)	بعد پیامدی	اخلاق اجتماعی	
متشرع بودن (شرعیات)		عبادات	
عبادت کردن (عبادات)	بعد مناسکی		

در این جدول سعی شده است سه مدل موردنظر، در تناظر با یکدیگر قرار گیرند. البته لازم است توجه شود که برخی از ابعاد دینداری در سه مدل مورد مطالعه دقیقاً با بعد متناظر خود در مدل دیگر منطبق نیستند و در واقع این جدول، تنها یک انطباق تقریبی در مورد ابعاد دینداری است. به‌عنوان مثال؛ آنچه در سنجه گلاک و استارک به‌عنوان بعد تجربی (عواطف دینی) مطرح است، از نظر شجاعی‌زند نوعی تقلیل بعد مؤمن بودن (ایمانیات) است که غربیان در سنت مسیحی برای منظور کردن بعد ایمان در سنجه‌های دینداری به‌کار برده‌اند. بنابراین در مدل شجاعی‌زند بعدی با عنوان «تجربه دینی» مشاهده نمی‌شود. در مقابل همان‌طور که گفته شد، شجاعی‌زند قائل به بعدی به نام ایمانیات (مؤمن بودن) برای دینداری است که از نظر مفهومی تا حدی شبیه به بعد تجربی است؛ هرچند شجاعی‌زند، بعد تجربی را تقلیل بعد ایمانیات برای سنجش‌پذیر ساختن آن می‌داند. شاید عدم حضور بعدی مستقل با عنوان تجربه (عواطف دینی) در مدل وی به‌دلیل آن باشد که اساساً شجاعی‌زند، وجه عاطفی را یکی از وجوه (و نه ابعاد) دین در کنار وجوهی چون وجه معرفتی و وجه عملی می‌داند. بعد تجربی در مدل گلاک و استارک علاوه بر ترس از خدا و توجه به ذات او و نیز شناخت و معرفت الهی، شامل زیرمؤلفه «ایمان» نیز می‌شود (پویافر، ۱۳۸۶: ۶۰). در ابعاد رفتاری، مدل گلاک و استارک شامل دو بعد مناسک و پیامدهای دینداری است، اما شجاعی‌زند ابعاد رفتاری را شامل عبادیات، اخلاقیات و شرعیات می‌داند و این در حالی است که تقریباً بعد کاملاً متناظری در مدل ام. آر. پی. آی. برای آن وجود ندارد و هر سه زیر (خرده) بعد شخصیت دینی به نوعی رفتارهای دینی را نیز شامل می‌شوند. تفاوت تبیین ابعاد رفتاری دینداری در دو مدل گلاک و استارک و شجاعی‌زند در اینجاست که شجاعی‌زند، آنچه را که در مدل گلاک و استارک به‌عنوان پیامدهای دینداری مطرح است، با دو بعد شرعیات و اخلاقیات تفکیک می‌کند. شجاعی‌زند دلیل این کار را این ایراد مدل گلاک و استارک می‌داند که پیامدهای دینداری با نشانه‌های آن به نادرست به هم آمیخته شده‌اند. به‌همین دلیل، پیامدهای دینداری در مدل شجاعی‌زند نه یک بعد، بلکه سطحی از انتزاع را تشکیل می‌دهد و به همین لحاظ داشتن معلومات دینی - آنچه در مدل غربی گلاک و استارک به‌عنوان بعد دانش دینی مطرح

است، به‌عنوان یکی از نشانه‌های دینداری مطرح است نه بعد دینداری. (پویافر، ۱۳۸۶: ۶۱)

در مدل ام. آر. پی. آی. با اتخاذ رویکرد محوریت (ایمان و عمل صالح) بعد جهان‌بینی معرف چیزی است که نگرش فرد را شکل می‌دهد و فرد دیندار باید بدان ایمان داشته باشد و بعد شخصیت دینی معرف انواع اعمال صالحی است که در پی ایمان فرد از وی انتظار می‌رود و به تعبیر خود مدل، تجلی و بروز جهان‌بینی در فرد است که البته این اعمال صالح، خود سبب تقویت و عمق و تعدد یافتن مواضع جهان‌بینی نیز می‌شود. اساساً این رویکرد سلسله مراتبی، که در مدل شجاعی‌زند وجود دارد، در مدل ام. آر. پی. آی. و همچنین مدل گلاک و استارک دیده نمی‌شود. در اصل، طراحان مدل ام. آر. پی. آی. قائل به تقدم کامل شقوق جهان‌بینی بر شخصیت دینی نمی‌باشند چرا که به تصریح منابع دینی، اعمال عبادی و همچنین تمسک به شرعیات، سبب افزایش ایمان می‌شود و لذا تمامی مراتب ایمان نمی‌تواند مقدم بر شرعیات و عبادیات باشد. از آنجا که رفتارهای دینی که در بعد پیامدی گلاک و استارک مطرح می‌شوند، در مدل شجاعی‌زند در قالب دو بعد اخلاقیات و شرعیات متمایز شده‌اند، با معرف‌های جزئی‌تری مطرح شده‌اند و به جز همین ویژگی در واقع محتوای آنها در هر دو مدل یکسان است.

در مدل ام. آر. پی. آی. همان‌طور که گذشت اخلاقیات، نقطه اوج و کمال دینداری است. در حالی که اخلاقیات در مدل شجاعی‌زند یکی از مراتب میانی دینداری محسوب می‌شود. البته باید توجه نمود که در ادبیات تحقیقی ام. آر. پی. آی. منظور از اخلاقیات، متفاوت از اخلاقیات مطرح در مدل شجاعی‌زند است. در مدل ام. آر. پی. آی. منظور از اخلاق، اخلاق حدافلی و به معنی حسن خلق و معاشرت نیکو نمی‌باشد بلکه منظور اخلاق متعالی است. اخلاقی که پیامبر اکرم (ص) با بعثت خود آن را آورد که همانا در نظر گرفتن رضای الهی در تمامی اعمال، نیات و افکار خرد و کلان می‌باشد. به این معنا که فرد، هیچ قدمی جز به منظور جلب خشنودی الهی بر ندارد و همواره خود را در محضر الهی حاضر ببیند.

چند نکته پیرامون مدل ام. آر. پی. آی. طراحی شده در مالزی

۱. یکی از نقاط قوت این مدل در طراحی آن در مالزی، برخورداری مناسب از استانداردهای روش تحقیقی در طراحی سنجه می‌باشد. حجم بالای نمونه آماری (۱۷۰۰ پاسخ‌دهنده مالایی) در جوامع آماری متنوع (گروه‌های انتخاب شده موجود در نمونه تحقیق شامل: ۱. جوانان دانشگاهی^۱، ۲. جوانان وابسته به سازمان جوانان ۳. جوانان وابسته به مراکز درمان دارویی^۴، جوانان وابسته به احزاب سیاسی ۵. جوانان کارگر کارخانه ۶. جوانان حاضر در مراکز خرید^۲) (یو پی ام، ۲۰۰۵) سبب شده است به راحتی بتوان این مدل را جزء یکی از سنجه‌های استاندارد دینداری در جهان اسلام به حساب آورد.

1. IPTA
2. Serenti
3. At-large

۲. یکی دیگر از نقاط قوت این مدل، استناد به آیات و روایات به‌عنوان پشتوانه نظری است. چرا که اولاً این امکان را فراهم می‌سازد تا مبانی نظری مدل مورد نقد و بررسی قرار گیرد و ثانیاً راه بررسی مبانی نظری مدل، برای محققین علوم اجتماعی که غالباً در دسترسی به منابع دست اول و احصاء آیات و روایات با دشواری‌هایی مواجه‌اند، باز می‌شود.
۳. با توجه به‌نظر کارشناسان امر، استنادات مدل (به آیات و روایات) معتبر می‌باشد و لذا از پشتوانه علمی لازم برخوردار است.
۴. در تقسیم اولیه مدل، تبیین دو بعد اصلی (بر مبنای تأکید آیات و روایات بر اهمیت ایمان و عمل صالح) جهان‌بینی و شخصیت، سبب شده است با یکپارچه دیدن اعمال قلبی و اعمال اعضاء و جوارح در یک بعد اصلی، در نظر گرفتن ظرافت‌ها و ویژگی‌های مختص هر کدام دشوار باشد.
۵. تقسیم‌بندی ابعاد به‌دست آمده در ام. آر. پی. آی، از ویژگی تقسیمات منطقی برخوردار نمی‌باشد. این نکته‌ای است که در تقسیم‌بندی ابعاد وجودی انسان در مدل شجاعی‌زند رعایت شده است.
۶. در بعد جهان‌بینی، انتخاب گویه‌ها با دقت لازم صورت گرفته و یا لاقلاً می‌توان گفت اعتقاد به برخی از گویه‌های مطرح شده، با این رویکرد جزئی، از ضرورت‌های دینداری محسوب نمی‌شود.
۷. آنچه بیش از هر موضوع دیگری خلأ آن به چشم می‌خورد این امر است که در تعریف عملیاتی دینداری، مراتب دینداری به روشنی تعیین نشده است. در کل هم نمی‌توان گفت گویه‌ها در پی ارزیابی حد لازم دینداری است چرا که بسیاری از گویه‌ها به تصریح روایات، در حد کمال دینداری متصور طرح شده‌اند.

روش تحقیق

در این تحقیق در پی تبیین یک مقیاس و بررسی مقایسه‌ای آن با دو مقیاس دیگر هستیم که کاربرد آنها به‌طور ویژه در سنجش دینداری به‌عنوان یک متغیر کمی است. از آنجا که کار اصلی این پژوهش بر روی پرسشنامه‌های سنجش دینداری است و این امر مستلزم ارزیابی اعتبار و پایایی آنها به‌صورت میدانی می‌باشد، می‌توان این پژوهش را از نوع پیمایش دانست. ویژگی بارز پیمایش عبارت است از شیوه گردآوری داده‌ها و روش تحلیل آنها (دواس، ۱۳۷۶: ۱۳). ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه و نوع مطالعه در مقام گردآوری اطلاعات، پیمایش از نوع مطالعات همبستگی است. علاوه بر این، از آنجا که هدف ما مقایسه تجربی سه سنجه مورد بررسی - و نه علت‌کاوی رابطه میان متغیرها - است، مطالعه ما در زمره مطالعات اکتشافی نیز قرار می‌گیرد.

جامعه آماری و نمونه‌گیری

نظر به اینکه هدف اصلی پژوهش، ارزیابی پایایی و اعتبار آزمون ام. آر. پی. آی. به صورت میدانی و در مقایسه با دو سنجه دیگر است، برای این منظور سنجه مورد نظر با سنجه طراحی شده توسط شجاعی‌زند و سنجه برگرفته از مدل گلاک و استارک به‌طور همزمان بر روی یک جمعیت آماری واحد (دانشجویان دانشگاه تهران) آزموده شدند. از این جهت متغیرهای دیگر مانند، جنسیت، رشته تحصیلی و سن به‌عنوان یافته‌های فرعی تلقی می‌شوند، لذا گروه‌های نمونه به‌صورت طبقه‌بندی متناسب تعیین گردیده و سپس با روش تصادفی از میان دانشجویان دانشگاه تهران انتخاب شده‌اند. دانشگاه تهران دارای ۳۶۹۵۸ دانشجو می‌باشد. برای محاسبه اندازه نمونه از فرمول کوکران و با فرض $p=0/5$ و $q=0/5$ و دقت احتمالی $(=0/05)$ استفاده شد که بر این اساس، حجم نمونه برابر با ۳۸۰ نفر به‌دست آمد که با احتساب ریزش احتمالی حجم نمونه ۳۹۱ در نظر گرفته شد.

معرف‌های تعاریف عملیاتی

در هر سه سنجه تمامی گویه‌ها در طیف لیکرت سنجیده می‌شوند و متناظر با تعریف عملیاتی از دینداری، مقیاس ام. آر. پی. آی. به‌طور کلی دارای ۱۰۰ گویه می‌باشد.^۱ سنجه گلاک و استارک با ۲۶ گویه و سنجه شجاعی‌زند با ۲۲ گویه مورد سنجش قرار گرفت.

اعتبار و پایایی

به منظور بررسی اعتبار محتوای پرسشنامه، تست ام. آر. پی. آی. در قالب یک برگه نظرخواهی تستی - تشریحی، برای ۲۰ نفر از کارشناسان اسلامی ارسال شد که از این تعداد ۸ نفر نظر دادند، این نظرات به‌طور کلی مؤید پرسشنامه بود و در برخی موارد جزئی، نظر اصلاحی داده بودند که سبب شد برخی پرسش‌ها اصلاح و تعدادی نیز حذف گردند و از مجموع ۱۱۲ پرسش اولیه ۱۰۰ سؤال باقی ماند. برای بررسی همسانی درونی مقیاس، داده‌های به‌دست آمده با محاسبه آلفای کرونباخ به‌وسیله نرم افزار SPSS مورد تحلیل قرار گرفت. در مجموع پرسشنامه از پایایی بالایی برخوردار بود. بدین ترتیب که پایایی بر اساس آلفای کرونباخ در بُعد جهان‌بینی بالاترین میزان « $0/914=$ آلفا» و در بُعد شخصیت به‌طور متوسط « $0/829=$ آلفا» قرار داشت. از آنجا که پایایی هیچ پرسشی پایین نبود لذا تمامی صد پرسش ام. آر. پی. آی. در پرسشنامه باقی ماندند. از دیگر آزمون‌های صورت گرفته تحلیل عاملی است، مفروض اساسی تحلیل عاملی این است که عامل‌های زیربنایی متغیرها را می‌توان برای تبیین پدیده‌های پیچیده به کاربرد و همبستگی‌های مشاهده شده بین متغیرها حاصل اشتراک آنها در این عامل‌هاست. هدف تحلیل عاملی تشخیص این عامل‌های مشاهده‌ناپذیر بر پایه مجموعه‌ای از متغیرهای مشاهده‌پذیر است.

۱. به تفکیک ابعاد در پیوست آمده است.

عامل، متغیر جدیدی است که از طریق ترکیب خطی نمره‌های اصلی متغیرهای مشاهده شده برآورد می‌شود (دواس، ۱۳۷۶: ۲۵۳). در اینجا نتایج حاصل از شش خرده‌بُعد (ایمان به خالق، ایمان به غیب و دین جامع، نفس، اجتماعی، عبادات) تحت آزمون تحلیل عاملی قرار گرفت. (جدول شماره ۴)

برای تعیین این مطلب که ماتریس داده‌ها برای تحلیل عاملی مناسب است یا نه یکی از آزمون‌های مهم، آزمون کیزر مایر است. نتیجه این آزمون در این پژوهش $KMO = 0/801$ بیانگر آن است که همبستگی موجود برای تحلیل عاملی در سطح بسیار مناسبی است و فرضیه صفر نتیجه آزمون کرویت بارتلت، بیانگر آن است که ماتریس ضرایب همبستگی بین گویه‌ها ماتریس واحدی می‌باشد.

نتایج تحلیل عاملی با استفاده از روش مؤلفه‌های اصلی^۱ و چرخش متعامد بر روی ضرایب عامل^۲ بدین ترتیب است که شش خرده‌بُعد را تحت دو عامل اصلی شناسایی می‌کند. بدین صورت که سه خرده‌بُعد «ایمان به خالق»، «ایمان به غیب»، «دین جامع» ذیل یک عامل و سه خرده‌بُعد دیگر؛ «اخلاق اجتماعی»، «اخلاق فردی (نفس)»، «عبادت» تحت عامل دوم قرار گرفتند و این امر مؤید فرض ام. آر. پی. آی. مبنی بر وجود دو بعد اصلی جهان‌بینی (شامل: ایمان به خدا، ایمان به غیب و دین جامع) و شخصیت (شامل: نفس، اجتماعی و عبادت) می‌باشد. ماتریس همبستگی حاصل (جدول ۴) با استفاده از نرم افزار SPSS و با روش چرخش متعامد به شیوه وریماکس به‌دست آمده است.

لازم به ذکر است که این نتایج تحلیل عاملی و شناسایی دو بُعد اصلی و شش خرده‌بُعد زیرمجموعه آنها در این تحقیق عیناً منطبق بر گزارش نتایج تحلیل عاملی تست ام. آر. پی. آی. در مالزی بوده است.

جدول ۴: نتایج آزمون تحلیل عاملی بر حسب خرده ابعاد شش‌گانه و عامل‌های استخراج‌شده

خرده ابعاد	عامل اول	عامل دوم
خالق	۰/۱۰۸	۰/۸۷۶
غیب	۰/۱۱۹	۰/۸۴۹
دین جامع	۰/۳۳۰	۰/۷۹۵
اجتماعی	۰/۹۱۸	۰/۱۰۲
نفس	۰/۸۹۹	۰/۲۴۶
عبادت	۰/۶۶۱	۰/۵۴۶

1. Principal Components

2. Varimax

ارائه و تحلیل آماری داده‌های پژوهش

خصوصیات زمینه‌ای

مجموع دانشجویان مورد مطالعه در این پژوهش، ۳۹۱ نفرند. در این میان ۵۰/۶ درصد (۱۹۸ نفر) مرد و ۴۹/۴ درصد (۱۹۳ نفر) زنان را تشکیل می‌دهد این ترکیب با ترکیب جمعیت آماری (۵۰/۵ دختر و ۴۹/۵ پسر) تقریباً نزدیک است. میانگین سنی پاسخگویان حدود ۲۲ سال، جوان‌ترین پاسخگو ۱۸ سال و مسن‌ترین ۴۰ سال می‌باشد. از نظر مقطع تحصیلی، ۵۴/۱۹ درصد پاسخگویان در مقطع کاردانی و کارشناسی، ۳۴/۷۲ درصد در مقطع کارشناسی‌ارشد و ۱۰/۰۷ درصد در مقطع دکترای تخصصی و دکترای حرفه‌ای تحصیل می‌کرده‌اند که این میزان با پراکندگی جمعیت آماری در مقاطع تحصیلی بسیار نزدیک است. با توجه به تنوع بالای جمعیت نمونه از نظر رشته تحصیلی، رشته‌های تحصیلی را در پنج گروه علوم انسانی ۵۰/۲۹ درصد، فنی و مهندسی ۱۹/۸۹ درصد، علوم پایه ۷/۳۱، علوم تجربی ۱۶/۸۲ درصد و هنر ۵/۶۶ طبقه‌بندی شدند.

مقایسه میزان دینداری پاسخگویان در سه مقیاس

از آنجا که نتایج نمرات هر سنجه با توجه به تعداد متفاوت سؤالات در بازه‌های همسانی قرار ندارند ابتدا نتایج نمرات هر سه سنجه در محدوده بین ۱ تا ۵ محاسبه و سپس با یکدیگر مقایسه می‌شود. همان‌طور که در جدول شماره ۵ نیز به چشم می‌خورد هر سه سنجه، میزان دینداری پاسخگویان را در حد بالایی برآورد کرده‌اند. میانگین نمره کل دینداری در هر سه سنجه بسیار به هم نزدیک و البته در مدل ام. آر. پی. آی. از همه بالاتر است. تنها تفاوت محسوس در انحراف معیار به چشم می‌خورد، انحراف معیار که بیانگر پراکندگی در میان پاسخگویان است در سنجه گلاک و استارک از همه بیشتر و پس از آن شجاعی‌زند و از همه کمتر در سنجه ام. آر. پی. آی. می‌باشد.

جدول ۵: کمینه و بیشینه و میانگین و

انحراف استاندارد توزیع نمرات دینداری کل مقیاس‌های سه‌گانه

مقیاس	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
ام. آر. پی. آی.	۲/۳۶	۴/۷۲	۳/۶۸	۰/۴۳۲۹
شجاعی‌زند	۱/۶۲	۴/۷۶	۳/۶۳	۰/۶۶۴۴۶
گلاک و استارک	۱/۱۵	۵	۳/۵۹	۰/۸۰۰۵۵

مقایسه فراوانی سطوح مختلف دینداری در بین سه سنجه

مقایسه فراوانی سطوح مختلف بین سه سنجه، بیش از مقایسه میانگین، تمایزهای موجود در میان سه سنجه را روشن می‌کند. برای این منظور نمرات دینداری در سه سنجه مورد بررسی را به سه سطح پایین، متوسط و بالا تقسیم نمودیم که نتایج آن در جدول شماره شش آمده است. همان‌طور که در جدول مشخص شده است، مدل ام. آر. پی. آی. در سطح بالای دینداری از دو مدل دیگر پایین‌تر است و در مقابل، در سطح متوسط دینداری از دو سنجه دیگر بالاتر است. این داده‌ها بیانگر آن است که مدل ام. آر. پی. آی. دارای ضوابطی است که به راحتی فرد را در سطح بالای دینداری جای نمی‌دهد و البته اگر سه سطح دینداری را برای هر سه سنجه به‌طور یکسان طبقه‌بندی کنیم از داده‌ها می‌توان درک دیگری داشت و آن اینکه مدل ام. آر. پی. آی. در مقایسه با دو سنجه دیگر نمرات پایین دینداری ندارد و در مقایسه با دو سنجه دیگر درصد نمرات بالای دینداریش بیشتر است و می‌توان گفت تا حدودی سهیل‌گیرانه‌تر از دو سنجه دیگر است.

جدول ۶: مقایسه فراوانی سطوح مختلف دینداری در سه سنجه (پیش از یکسان‌سازی دامنه نمره‌ها در سه مقیاس دینداری)

سطوح دینداری (برحسب درصد)			سنجه‌های دینداری
بالا	متوسط	پایین	
۳۲/۸	۵۵/۷	۱۰/۴	ام. آر. پی. آی.
۵۱/۷	۳۸/۴	۹/۲	شجاعی‌زند
۵۲/۷	۳۷/۴	۹/۴	گلاک و استارک

جدول ۷: مقایسه فراوانی سطوح مختلف دینداری در سه سنجه (با سه سطح استاندارد شده)

سطوح دینداری (برحسب درصد)			سنجه‌های دینداری
بالا	متوسط	پایین	
۵۳/۵	۴۵/۳	۰	ام. آر. پی. آی.
۵۲/۴	۴۱/۷	۵/۱	شجاعی‌زند
۵۵/۵	۳۵/۸	۸/۷	گلاک و استارک

ارزیابی سطح دینداری پاسخگویان در ابعاد مختلف دینداری

جدول ۸: میانگین نمرات ابعاد برای هر سه سنجه

سنجه	بعد دینداری	میانگین	انحراف معیار
ام. آر. پی. آی.	دینداری کل	۳/۶۸۵۸	۴۳۲۹۱/
	خالق	۴/۲۰۹۹	۵۵۵۰۳/
	ایمان به غیب	۳/۸۰۰۶	۶۰۲۸۵/
	دین جامع	۳/۶۷۴۶	۸۲۱۵۸/
	نفس	۳/۷۵۱۰	۵۱۳۸۱/
	اجتماعی	۳/۷۰۸۷	۴۳۱۰۸/
	مناسک	۳/۰۸۰۹	۶۸۱۳۸/
	دینداری کل	۳/۶۳۳۳	۶۶۴۴۶/
شجاعی زند	اعتقادات	۴/۱۴۴۲	۸۸۹۱۷/
	عبادات	۳/۳۴۱۹	۹۷۲۱۵/
	اخلاقیات	۳/۸۰۱۲	۵۹۲۹۱/
	شرعیات	۳/۳۸۷۰	۸۷۶۸۷/
	دینداری کل	۳/۵۹۸۱	۸۰۰۵۵/
گلاک و استارک	اعتقادی	۴/۳۳۸۷	۸۸۹۷۷/
	تجربی	۴/۱۲۳۶	۸۴۰۴۴/
	پیامدی	۲/۵۷۸۴	۸۹۹۵۰/
	مناسکی	۳/۳۹۸۱	۱/۱۷۳۶۹
	دینداری کل	۳/۳۹۸۱	۱/۱۷۳۶۹

همان‌طور که در جدول نیز مشخص است در هر سه سنجه نمره پاسخگویان در ابعاد اعتقادی (جهان‌بینی) و عاطفی بیش از ابعاد مناسکی و پیامدی است. همین‌طور نمره پاسخگویان در ابعاد اخلاقی و اجتماعی بالاتر از مناسکی و در رتبه بعد از اعتقادی قرار دارد. تفاوت نمره افراد در ابعاد مختلف دینداری، در مقیاس ام. آر. پی. آی. کمتر از سنجه شجاعی‌زند و گلاک و استارک می‌باشد. از طرفی انحراف معیار در ابعاد سنجه ام. آر. پی. آی. به‌طور چشم‌گیری از دو سنجه دیگر کمتر است.

روایی ملاکی

برای محاسبه روایی ملاکی سنجه ام. آر. پی. آی. براساس سنجه معیار، یکی از راه‌های ممکن

آن است که یکی از دو سنجه شجاعی زند و گلاک را معتبر فرض کنیم و ضریب همبستگی نمره افراد در این سنجه را با ضریب همبستگی سنجه ام. آر. پی. آی. مبنای مقایسه قرار دهیم. با توجه به قدمت بیشتر سنجه گلاک و استارک، آن را معیار مقایسه قرار دادیم. ضرایب اسپیرمن بین نمرات سنجه‌ها حاکی از اعتبار بالای سنجه‌هاست، به طوری که ضریب همبستگی اسپیرمن ام. آر. پی. آی. با سنجه گلاک ($r = 0.756$) است و سطح معناداری بسیار بالا ($S = 0/000$).

جدول ۹: نتایج آزمون همبستگی اسپیرمن برای هر سه سنجه

سنجه گلاک و استارک		سنجه ام. آر. پی. آی	سنجه شجاعی زند	آزمون آماری	
۱	۰/۷۵۶	۰/۷۵۶	۰/۸۷۵	ضریب همبستگی اسپیرمن	گلاک و استارک
				سطح معناداری	
۰/۷۵۶	۰/۰۰۰	۱	۰/۸۰۳	ضریب همبستگی اسپیرمن	ام. آر. پی. آی
				سطح معناداری	
۰/۸۷۵	۰/۰۰۰	۰/۸۰۳	۱	ضریب همبستگی اسپیرمن	شجاعی زند
				سطح معناداری	

نتیجه گیری

در پایان با استفاده از داده‌های پژوهش، به پرسش‌های اصلی پژوهش پاسخ می‌دهیم. آیا بین نتایج حاصل از اجرای پرسشنامه «دینداری - شخصیت اسلامی» و سایر سنجه‌های دینداری رابطه وجود دارد؟

در مورد میانگین میزان دینداری، سنجه گلاک و استارک میانگین دینداری کل جمعیت نمونه را ۳/۵۹ نشان داد و سنجه شجاعی زند در رتبه بعد ۳/۶۳ قرار گرفت و میانگین ام. آر. پی. آی. از همه بالاتر، یعنی ۳/۶۸ به دست آمد. همان‌طور که پیداست در میانگین کل تفاوت محسوسی به نظر نمی‌رسد و اختلاف ذکر شده نیز ناچیز است. براین اساس شاید بتوان گفت سنجه ام. آر. پی. آی. اندکی سهل‌گیرانه‌تر از دو سنجه دیگر است. نکته قابل توجه در مقایسه میانگین نمرات این سه سنجه تفاوت در انحراف معیارهای سه آزمون است که در این بین انحراف معیار سنجه ام. آر. پی. آی. از سنجه شجاعی زند ۰/۲ و از سنجه گلاک ۰/۴ کمتر می‌باشد (جدول ۸).

از مقایسه فراوانی سطوح مختلف دینداری بین سه سنجه، سهل‌گیرانه‌تر بودن آزمون ام. آر. پی. آی. مشهودتر است چراکه با وجود آنکه دو سنجه شجاعی زند و گلاک به ترتیب ۵/۱

درصد و ۸/۷ درصد از پاسخگویان را در سطح پایین دینداری قرار داده‌اند، سنجه ام. آر. پی. آی. هیچ یک از پاسخگویان را در این سطح ارزیابی نکرده است.

در مقایسه ابعاد مختلف دینداری سه سنجه باید بیان شود که در هر سه سنجه میانگین بعد اعتقادی (جهان‌بینی) بیش از سایر ابعاد نشان داده شده است. این موضوع مؤید نتایجی است که در پژوهش پویافر نیز آمده است: «در هر سه سنجه (شجاعی‌زند، گلاک و خدایاری‌فرد) از نظر تفاوت نمره افراد در ابعاد درونی، نمره پاسخگویان در ابعاد اصطلاحاً نرم دینداری (اعتقادی و عاطفی/تجربی) در مقایسه با سایر ابعاد (عبادی/مناسکی و پیامدی، اخلاقی) بیشتر بود» (پویافر، ۱۳۸۶: ۶۱).

در مدل ام. آر. پی. آی. بعد مناسکی پایین‌ترین میانگین را داراست ولی این تفاوت، همچون سنجه شجاعی‌زند با سایر ابعاد خیلی هم محسوس نیست و نهایتاً در حدود ۰/۷ واحد است در حالی که در سنجه گلاک و استارک میان بعد پیامدی که پایین‌ترین میانگین را داراست و بعد اعتقادی (بالترین میانگین) در حدود ۱/۳ واحد اختلاف وجود دارد.

یافته‌های تحقیق در ارتباط با همبستگی میان سه سنجه در حدود ۰/۸۷ تا ۰/۷۴ با سطح معناداری بسیار بالا ($S=0/000$) نشان می‌دهد هر سه سنجه دارای روایی ملاکی می‌باشند و به این سؤال محوری پژوهش که آیا این الگو طراحی شده در مالزی همخوانی لازم با جامعه اسلامی ایران را نیز دارا می‌باشد؟ پاسخ مثبت می‌دهد.

پیشنهاد‌های پژوهش

با استفاده از نظرات کارشناسان اسلامی و تمرکز یک گروه منسجم، سنجه ام. آر. پی. آی. از نظر آموزه‌های شیعی بررسی و در صورت لزوم ابعاد و یا گویه‌هایی به آن افزوده گردد. نمونه‌گیری وسیع‌تر و با تنوع جوامع آماری و در گروه‌های سنی با گستره بیشتر صورت گیرد. شواهد تأیید روایی گروه‌های شناخته شده، ارائه شود تا ملاکی برای برقراری پیوند میان کسانی که در این مقیاس نمره بالایی آورده‌اند، با بالا دانستن سطح دینداری آنها به وجود آید. برای پاسخ به این سؤال که آیا این الگو طراحی شده در مالزی همخوانی لازم با جامعه اسلامی ایران را نیز دارد، پیشنهاد می‌شود از فنون کیفی هم استفاده شود. از آنجا که مدل ام. آر. پی. آی. در جامعه سنی مذهب طراحی شده است، پیشنهاد می‌شود نتایج حاصل از این سنجه همزمان در جامعه آماری شیعه و اهل تسنن ایران مورد مقایسه قرار گیرد.

منابع

۱. آذربایجانی، مسعود. (۱۳۸۲). **تهیه و ساخت آزمون جهت گیری مذهبی با تکیه بر اسلام**. قم: مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه.
۲. بیکر، ترز ال. (۱۳۸۱). **نحوه انجام تحقیقات اجتماعی**. هوشنگ نابیی. تهران: روش.
۳. پویافر، محمد و سیدحسین سراج‌زاده. (۱۳۸۸). **سنجش دینداری با استفاده از رهیافت بومی**. فصلنامه **تحقیقات علوم اجتماعی**. سال اول شماره ۲. بهار.
۴. پویا فر، محمد. (۱۳۸۶). **بررسی مقایسه‌ای سنج‌های دینداری**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت معلم.
۵. دواس، دی ای د. (۱۳۷۶). **پیمایش در تحقیقات اجتماعی**. هوشنگ نابیی. تهران: نشر نی.
۶. سراج‌زاده، سیدحسین. (۱۳۸۳). **چالش‌های دین و مدرنیته**. تهران: طرح نو.
۷. سراج‌زاده، سیدحسین و فاطمه جواهری. (۱۳۸۲). **نگرش‌ها و رفتار دانشجویان**. طرح پژوهشی دفتر برنامه‌ریزی اجتماعی و مطالعات فرهنگی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری. انتشارات پدیده گوتبرگ.
۸. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۸). **جامعه‌شناسی دین**. تهران: نشر نی. چاپ اول.
۹. شجاعی‌زند، علیرضا. (۱۳۸۴). **مدلی برای سنجش دینداری با استفاده از رهیافت بومی**. **مجله جامعه‌شناسی ایران**. دوره ششم. ش ۱. صص ۳۴-۶۶.
۱۰. فقیه‌ی، علی‌نقی و همکاران. (۱۳۸۲). **مؤلفه‌های دینداری از منظر خود دین**. **همایش مبانی نظری و روان‌سنجی مقیاس‌های دینی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۱۱. کاظمی، عباس و مهدی فرجی. (۱۳۸۶). **سنج‌های دینداری در ایران**. جامعه و فرهنگ. تهران: چاپ اول.
۱۲. مهدوی، مهدی. (۱۳۸۵). **۱۲۳ مقیاس برای سنجش دینداری**. کتاب **ماه علوم اجتماعی**.
۱۳. همیلتون، ملکم. (۱۳۸۱). **جامعه‌شناسی دین**. محسن ثلاثی. تهران: مؤسسه فرهنگی انتشاراتی تبیان چاپ دوم.
۱۴. هیل، پیتر. (۱۳۸۲). **معرفی مقیاس‌های دینی (۱۲۱ مقیاس خارجی به ضمیمه ۲۱ مقیاس داخلی)**. مسعود آذربایجانی و سیدمهدی موسوی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.

15. UPM. (2005). The Muslim Religiosity-Personality Measurement Inventory (MRPI)'s Religiosity Measurement Model: Towards Filling the Gaps in Religiosity Research on Muslims

16. UPM. (2005). *The Muslim Religiosity-Personality Inventory (MRPI): Towards Understanding Differences in the Islamic Religiosity among the Malaysian Youth*.

17. UPM & IPSAS. (2007). *Muslim Religiosity Personality Assessment*

پیوست ۱

جدول ۱: تعداد گویه‌های ام. آر. پی. آی. به تفکیک خرده‌بدها

تعداد گویه	خرده‌بدها	ابعاد
۹	رابطه خالق و مخلوق	جهان‌بینی (سری اول سؤالات)
۸	ایمان به غیب	
۱۱	دین جامع	
۲۲	نفس	شخصیت (سری دوم سؤالات)
۳۷	اجتماعی	
۱۳	عبادت	

پیوست ۲: گویه‌های مدل ام. آر. پی. آی. به تفکیک ابعاد

گویه‌های مؤلفه خالق از بُعد جهان‌بینی	
۱	خداوند در همه اوقات، تمام شش میلیارد جمعیت کره زمین را می‌بیند.
۲	خداوند انسان‌هایی که مرتکب گناه می‌شوند نخواهد بخشید.
۳	انسان‌ها زمانی که مرتکب گناه می‌شوند از خدا دور می‌گردند.
۴	خداوند به جابه جایی ذرات شن، حتی در ته اقیانوس آگاه است.
۵	اگر خداوند اراده کند مکانی را از بین ببرد، دیگر تفاوتی بین مسلمان و غیرمسلمان نخواهد بود.
۶	همه فعالیت‌های انسان باید برای رضای خدا صورت گیرد.
۷	خداوند شخصی را که اعتقاد قلبی به دین دارد و از آن پیروی می‌کند مورد امتحان قرار نمی‌دهد.
۸	همه شریعت و سنت و اعمال رسول الله(ص) به وسیله وحی هدایت شده بودند.
۹	بعضی از قوانینی که رسول الله(ص) وضع کرد توسط خدا تعیین نشده بود.
۱۰	یک فرد دیندار در زندگی با چالش روبرو نخواهد شد.

گویه‌های مؤلفه غیب از بُعد جهان‌بینی	
۱	خداوند ممکن است انسان‌های گنهکار را تا زمانی که در همین دنیا هستند، مجازات کند.
۲	بلا یا و مصائبی که در جهان رخ می‌دهد همگی آثار سوء اعمال و رفتار انسان‌های بی‌اعتقاد است.
۳	همه اعمالی که توسط انسان‌های به سن بلوغ رسیده صورت می‌گیرد در آخرت مورد محاسبه قرار خواهد گرفت.
۴	باریدن باران تحت کنترل فرشتگانی است که تحت امر خداوند هستند.
۵	انسان‌هایی که به دیگران دانش سودمند می‌آموزند، تنها در این دنیا پاداش می‌گیرند.
۶	اگر یک انسان، (به‌عنوان یک) مسلمان بزرگ شود و رشد کند، لزوماً، مسلمان نخواهد مرد.
۷	اگر دکتر به کسی بگوید که در آینده خیلی نزدیک خواهد مرد، او باید شغل خود را ترک کند.
۸	در قبر پاداش‌ها و مجازات‌ها وجود دارند.

گویه‌های مؤلفه دین جامع از بعد جهان‌بینی	
۱	تعالیم اسلامی قادر نیستند نیازهای فطری انسان‌ها را برآورده سازند.
۲	شریعت الهی همه نیازهای مخلوقاتش را برآورده می‌کند.
۳	دستورات آمده در قرآن فقط برای فیض و سعادت مسلمانان است.
۴	تعالیم رسول الله(ص) برای کسب فیض است و تنها به‌درد مسلمانان می‌خورد.
۵	اسلام در مواقع اضطراری به مسلمانان اجازه ترک نماز واجب را داده است.
۶	مسلمانان، اگر بخواهند ملت‌هایشان به‌طور کامل توسعه پیدا کنند، نمی‌توانند از همه تعالیم اسلامی پیروی کنند.
۷	ارزش‌های اسلامی تنها در موقعیت‌ها، مکان‌ها و زمان‌های معینی قابل استفاده هستند.
۸	همه انسان‌ها وقتی به دنیا می‌آیند فطرتاً مسلمان‌اند.
۹	همه انسان‌ها توانایی پیروی از دستورات پیامبر اکرم (ص) را دارند.
۱۰	شریعت معین امر شده به‌وسیله خداوند می‌تواند دستیابی به موفقیت در زندگی دنیوی را مختل کند.

گویه‌های مؤلفه «نفس» از بعد شخصیت دینی	
۱	من دائماً در تلاشم به فهم خود از تعالیم اسلامی عمق بخشم.
۲	وقتی که تلاوت قرآن را می‌شنوم، احساس آرامش می‌کنم.
۳	من برای فهم معانی آیات قرآن تلاش می‌کنم.
۴	اغلب سعی می‌کنم مرگ را به یاد آورم.
۵	همه کارهایی را که به من محول شده باشد با تمام توانم انجام می‌دهم.
۶	در انجام کارهای خوب اصرار دارم حتی اگر دیگران مرا به‌خاطر آن مسخره کنند.
۷	پیوسته در رابطه با انجام کارهای خوب سختگیرم حتی اگر آن کارها کوچک به‌نظر برسند.
۸	همیشه قبل از اینکه قضاوت کنم سعی می‌کنم حقایق را کشف کنم.
۹	سعی می‌کنم کارهای خوبی که انجام می‌دهم را نمایان نکنم.
۱۰	حقایق یا اطلاعات درست را در دادگاه علیه هر کسی که باشد ارائه می‌دهم، حتی اگر آن شخص از نزدیکانم باشد.
۱۱	اگر مانعی را روی جاده ببینم برمی‌دارم حتی اگر کوچک باشد.
۱۲	دوست دارم بدون اینکه شناخته شوم به فقرا کمک کنم.
۱۳	برای درونی کردن منش اخلاقی پیامبر اکرم(ص) در زندگی روزمره‌ام تلاش می‌کنم.
۱۴	وقتی می‌بینم زباله‌ها در اطرافم پراکنده است، زباله‌ها را در زباله‌دان می‌ریزم.
۱۵	در حین تمام فعالیت‌های روزانه‌ای که با آنها درگیرم، مراقب رعایت هنجارهای اسلامی جامعه هستم.
۱۶	در فعالیت‌های تفریحی که همراه با نادیده گرفتن هنجارهای مذهبی باشد، شرکت نمی‌کنم.
۱۷	به همه عقاید احترام می‌گذارم.
۱۸	وقتی می‌بینم کسی خوبی‌های یکی از دوستانم را می‌گوید، خوشحال می‌شوم.
۱۹	خیلی مراقب سلامت‌م هستم.

۲۰	اگر موانعی در زندگی ام باشند که مرا از مسئولیت‌ها و فعالیت‌های مذهبی‌ام منحرف کنند، برایم مهم نیست.
۲۱	خیلی راحت اشتباهاتم را می‌پذیرم.
۲۲	ترجیح می‌دهم هر شکلی از کار حلال را انجام دهم اما گدایی نکنم.
۲۳	زمانی که فکر می‌کنم، نظراتم می‌تواند موقعیت را بهبود ببخشد، آنها را در میان می‌گذارم.

گویه‌های مؤلفه «اجتماعی» از بعد شخصیت دینی

۱	من دوست دارم به انسان‌های پیر نیازمند کمک کنم.
۲	همان‌طور که خود را دوست دارم، برادران و خواهران دینی‌ام را دوست دارم.
۳	با همسایگانم روابط خوبی دارم.
۴	دیگران را برای به‌جا آوردن نماز واجب دعوت می‌کنم.
۵	اگر به کسی بدی کنم، فوراً عذرخواهی می‌کنم.
۶	وقتی یک نیازمند به من مراجعه کند، از خدا سپاسگزاری می‌کنم.
۷	اگر از کسانی پول قرض کنم، سعی می‌کنم با عقد قرارداد مکتوب باشد.
۸	در جامعه آشوب ایجاد می‌کنم.
۹	همواره در برخورد با یک مسلمان برای سلام کردن پیش‌قدم می‌شوم.
۱۰	اگر کسی مرا مورد استهزاء قرار دهد، من هم مقابله به‌مثل خواهم کرد، حتی اگر در ماه رمضان باشد.
۱۱	اگر خواهران یا برادرانم به من آسیب برسانند، به‌سادگی آنها را می‌بخشم.
۱۲	علاقمند کمک به نیازمندان هستم.
۱۳	من هیچ‌گاه نقص‌های دیگران را نمایان نمی‌کنم.
۱۴	بستگانم را دوست دارم.
۱۵	معمولاً در رابطه با مسائل مذهبی با دوستانم گفتگو می‌کنم.
۱۶	من می‌خواهم مطمئن شوم که همه اعضای خانواده‌ام از دستورات یا در واقع سنت پیامبر اکرم (ص) پیروی می‌کنند.
۱۷	از فرد مزاحمی که دیگران را مسخره می‌کند دوری می‌کنم.
۱۸	اگر نتوانم به موقع بدهی‌ام را پرداخت کنم، نگران می‌شوم.
۱۹	وقتی دوستانم اشتباه می‌کنند آنها را نصیحت می‌کنم.
۲۰	به همه قول‌هایم عمل می‌کنم.
۲۱	سعی می‌کنم تا آنجا که امکان داشته باشد، لبخند بزنم.
۲۲	با والدینم مؤدبانه صحبت می‌کنم.
۲۳	کسانی که به من بدی می‌کنند قبل از اینکه از من طلب بخشش نمایند، آنها را می‌بخشم.
۲۴	از شنیدن خبر رنج کشیدن مسلمانان در هر نقطه‌ای از جهان، اندوهگین می‌شوم.
۲۵	هویت اشخاصی را که در مورد آنها صحبت می‌کنم ولی آنها حضور ندارند، مخفی نگه می‌دارم.
۲۶	وقتی می‌شنوم مردم در حال بدگویی یا شایعه‌پراکنی هستند، علاقه‌مند می‌شوم که به آنها پیوندم.
۲۷	من شأن دوستانم را نادیده نمی‌گیرم.

۲۸	اگر به والدینم آسیبی برسانم. (آنها را عذاب بدهم یا باعث رنجش آنها شوم) احساس نگرانی نمی‌کنم.
۲۹	از فرستادن متن‌ها یا پیام‌های منفی به مردم، احساس نگرانی نمی‌کنم.
۳۰	از اتوبوس‌های عمومی استفاده می‌کنم.
۳۱	همه غیرمسلمانان را به چشم مسلمانان بالقوه نگاه می‌کنم.
۳۲	از کار کردن در یک تیم لذت می‌برم.
۳۳	توجه بیشتری را صرف دوستانم می‌کنم تا نسبت به والدینم.
۳۴	همیشه به دنبال موقعیت‌هایی برای پرداخت صدقه می‌گردم.
۳۵	تا دعوت نشده باشم، به خانه کسی وارد نمی‌شوم.
۳۶	نصیحت‌های والدینم را گوش می‌کنم حتی اگر مطابق آن چیزی که من می‌خواهم نباشد.
۳۷	تلاش می‌کنم مهمانانم تا جایی که ممکن است احساس راحتی کنند.

گویه‌های مؤلفه «مناسک» از بعد شخصیت دینی	
۱	وقتی ماه رمضان پایان می‌یابد، احساس غم و ناراحتی می‌کنم.
۲	همیشه درصد راه‌هایی برای بازیافت هر چیزی که هنوز قابل استفاده باشد، هستم.
۳	از چیزهایی که در مورد مشروع بودن آنها مطمئن نیستم، پرهیز می‌کنم.
۴	من زکات پرداخت نمی‌کنم.
۵	حتی اگر مشغله زیادی داشته باشم زمانی را برای تلاوت قرآن اختصاص می‌دهم.
۶	تلاش می‌کنم همیشه در مورد پوشش حدود شرعی را رعایت کنم.
۷	دائماً برای به‌جا آوردن نمازهای مستحبی تلاش می‌کنم.
۸	وظایف کاری‌ام را مشتاقانه به انجام می‌رسانم چراکه اعتقاد دارم کار از عبادات است.
۹	نسبت به تعالیم پیامبر اکرم(ص) در فعالیت‌های روزانه‌ام حساس نیستم.
۱۰	برای پیروی از دستورات خداوند متعال در هر موقعیتی تلاش می‌کنم.
۱۱	سعی می‌کنم در تمام اوقات وضو داشته باشم.
۱۲	وقتی که در رابطه با یکی از قوانین اسلامی مطمئن نیستم به یک شخص مطلع مراجعه می‌کنم.
۱۳	از گذشته‌ها برای حج پس‌اندازم را شروع کرده‌ام.
۱۴	می‌خواهم مطمئن باشم که وقتی قرآن می‌خوانم معانی آن را درک می‌کنم یا آن تقاضا یا مطالبه‌ای که از من دارد را درک می‌کنم.
۱۵	اموال دیگران را بدون اجازه آنها، استفاده می‌کنم.
۱۶	دوست دارم از موقعیت‌هایی برای فهم اسلام استفاده کنم.
۱۷	هر سال مبلغی را به‌عنوان خمس کنار می‌گذارم.